



# سخن نخست

علی عاشوری / کارشناس ارشد معماری منظر

اگر بشر هیچ گاه ساکن نمی شد صاحب تمدن امروزش نبود، سکنی گزیدن انسان در بستر محیط به او هستی بخشید و این هستی به تدریج، درک انسان بدوی از محیط را به سمت خودآگاهی برد و زندگی جمعی و آیینی اش، تعلق به مکان را موجب شد. انسان ها ضرورت یکجا نشینی را آموختند و به ایجاد سرپناهی پرداختند که نیازهای اولیه آن ها چون امنیت فیزیکی و روانی را پاسخ می گفت. سر پناه ها در ابتدا فقط وابستگی مکانی داشتند ولی به تبع تغییر مناسبات زیستی، گونه ای از سکونت مشتمل بر خانه، همسایگی، راه و فضاهای جمعی پدید آورد که در صدد پاسخگویی به نیازهای مادی، روانی و اجتماعی انسان برآمد. افزایش نیازهای اجتماعی، دگرگون شدن شیوه تولید، زندگی و آشکار شدن نیازهای ادراکی و شناختی چون یادگیری و زیبایی، دگرگونی هایی در اندیشیدن به محل زیست ایجاد کرد که مسکن شهری یکی از نمودهای آن می باشد. بدین ترتیب تاریخ گواهی می دهد که مسکن تنها یک کالبد نیست بلکه نقش های متفاوتی را ایفا می کند:

- مسکن در ابتدا یک نیاز اساسی و زیستی، یعنی یک سرپناه است و حق اجتماعی هر فرد و خانواده ای است.
- فراهم آوردن شرایط مطلوب برای خانواده به عنوان بنیادی ترین تشکل اجتماعی در جهت تحقق فعالیت های خانوادگی، ثبات و همبستگی خانواده، کارکرد اصلی مسکن است و این نقش بر مشارکت خانواده در جامعه نیز تاثیرگذار است.
- محیط های فعالیتی در عصر کنونی سرشار از استرس های گوناگون است. مسکن مناسب می تواند محلی برای آرامش و تجدید قوا در فرد باشد و او را از جنبه روانی آماده فعالیت کند.
- مسکن دارای مفهومی اقتصادی نیز می باشد به طوری که بر مسایلی از قبیل بهره‌وری، کارآیی و در نتیجه اشتغال، درآمد و تثبیت دارایی تاثیر مستقیم دارد لذا به توسعه اقتصادی و سیاسی جامعه کمک می کند.
- مسکن و محیط زیست عامل اصلی تغییر شکل شهرها هستند بدین گونه که مسکن همواره بزرگترین کاربری شهرها بوده و میزان تامین و تولید مسکن به عنوان عامل کمی تعیین کننده در توسعه فیزیکی شهرهاست.

...

به عبارتی دیگر ارتباط متقابل انسان با محیط در طول تاریخ بخشی از نیازهای او را بازشناخته و اندیشه انسان در پاسخگویی به آن ها منطقی از سکونت را پدید آورده است که نقطه تعادل نیروهای محیطی و نیروهای ذهنی بشر بوده است. تفاوت های فرهنگی، سنت ها، قومیت ها و شیوه زیست مردم، منجر به گوناگونی عناصر این محیط ها اعم از واحدهای همسایگی، بن بست، کوچه، مراکز محلی و ... شده است. این ارتباط دوسویه تا قبل از دوره مدرن شهرنشینی به دلیل انطباق منطق محیطی بر منطق اجتماعی فضا از پیوستگی و وحدت برخوردار بود ولی اکنون پیچیدگی محیط انسان ساخت و جدایی و عدم رشد آن با نیازهای فرهنگی- اجتماعی انسان، تداوم یا بازتولید آن ارزش ها، نقش ها و منظر آن ها را با مشکل همراه کرده است. پیچیدگی مناسبات امروز، سهم دولت ها را در برنامه ریزی، حمایت و تأمین «مسکن خوب» برای مردم جامعه به ویژه اقشار آسیب پذیر، بارز نموده است.

در دومین اجلاس اسکان بشر: «Habitat» که در تاریخ ۱۹۹۶ در استانبول برگزار شد، مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست؛ سرپناه مناسب یعنی آسایش، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت های اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است، که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود».

هرچند امروزه غالب بودن ماهیت اقتصادی مسکن موجب شده است که از نقش آن به عنوان یک نیاز اساسی انسان غفلت شود، اما در عمل دسترسی به مسکن به عنوان یکی از اهداف اجتماعی و فرهنگی همواره و در هر جامعه‌ای مطرح است. در کلیه برنامه‌های توسعه با توجه به محدودیت ها و امکانات موجود در مناطق و محلات شهری، باید برنامه ریزی مسکن برای تأمین نیازهای مسکن و بهبود کیفیت زندگی به عنوان یک هدف کلی و اصلی تأکید گردد.

طرح مسکن مهر به عنوان یکی از برنامه‌های طرح جامع مسکن و در قالب بند «د» تبصره ۶ قانون بودجه سال ۸۶ توسط دولت به مجلس پیشنهاد و با کسب حداکثر آرای نمایندگان مردم، قانونی شد. در ابتدا اگرچه تصور می شد در قالب یک همکاری سه گانه میان وزارت مسکن، وزارت تعاون و مردم شکل گیرد و پس از آن با هماهنگی دستگاه ها و ارگان های مربوطه از جمله وزارت اقتصاد و سیستم بانکی کشور مراحل اجرایی را سپری کند، اما این پروژه طی این مدت به بخش های مختلفی اعم از انبوه سازان، تعاونی های مسکن و اکنون هم گروه های چند نفره سپرده شده است. ایده مسکن مهر، تأمین مسکن برای اقشار آسیب پذیر و جوانان بود که با حذف قیمت زمین در جهت کم کردن فاصله ایده و عمل، به اجرا درآمد. براین مینا، واگذاری ها بدون احتساب ارزش زمین انجام گرفت و در نتیجه زمین ها غالباً در اراضی فاقد هویت شهری عرضه شد که محاسن و معایب خاص خود را به دنبال دارد.

پنج محور بررسی مسکن مهر به شرح ذیل تنظیم شده است:

- برنامه ریزی مسکن و مسکن مهر
- ملاحظات اجتماعی- فرهنگی و مسکن مهر
- توسعه پایدار شهری و مسکن مهر
- اقتصاد، شهر و مسکن مهر
- منظر شهری و مسکن مهر

در هر یک از محورها، یک متخصص از طریق مصاحبه یا مکاتبه به اظهار نظر، پیرامون سؤالات مجله پرداخته اند که شرح آن در صفحات بعد خواهد آمد.



سر پناه ها در ابتدا فقط وابستگی مکانی داشت ولی به تبع تغییر مناسبات زیستی، گونه‌ای از سکونت مشتمل بر خانه، همسایگی، راه و فضاهای جمعی پدید آورد که در صدد پاسخگویی به نیازهای مادی، روانی و اجتماعی انسان برآمد.